

نقدی بر کتاب

«آموزش و پرورش تطبیقی: رویکردها، روش‌ها و اصول»

عباس معدن‌دار آرانی*

چکیده

در طی چند دهه اخیر رقابت‌های آموزشی باعث توجه روزافزون اندیشمندان به درک تحولات و نوآوری‌ها و شیوه‌های حل و فصل چالش‌های آموزش و پرورش در دیگر جوامع شده است. در این راستا، رسالت اصلی علم آموزش و پرورش تطبیقی، مطالعه انتقادی شباهت‌ها و تفاوت‌های آموزشی شایع در بین جوامع و فرهنگ‌ها است. در ایران مباحث آموزش و پرورش تطبیقی به صورت یک درس سه واحدی در رشته علوم تربیتی و در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ارائه می‌شود. تدوین و تالیف کتاب "آموزش و پرورش تطبیقی: رویکردها، روش‌ها و اصول" مبین تلاشی آگاهانه برای معرفی بیشتر این علم با توجه به بنیان‌های نظری و اصول حاکم بر آن است. در مقاله حاضر، کتاب مذکور از بعد شکل و محتوی مورد بررسی قرار گرفته و به امتیازات و کاستی‌های آن اشاره می‌شود. با توجه به حجم کم و قلت صفحات، این اثر توانسته است تا حد نسبی خوانندگان را با چارچوبه‌های کلی و اولیه این علم آشنا سازد. هم‌چنین مهم‌ترین کاستی اثر حاضر را می‌توان فقدان توجه به جریان‌ات معاصر فکری علم آموزش و پرورش تطبیقی دانست.

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش تطبیقی، الگوگیری آموزشی، علوم تربیتی، نقد محتوایی، کتاب دانشگاهی

۱. مقدمه

بی‌تردید رشد و توسعه جوامع و نهادهای آن منوط به یادگیری مداوم از طریق ارج نهادن به تجربه دیگران به نفع خود است. تجربه جهانی در یک صد سال اخیر نشان می‌دهد

* استادیار و فوق‌دکترای آموزش و پرورش تطبیقی، گروه علوم تربیتی دانشگاه لرستان، arani.a@lu.ac.ir

دهد که ملت های فهیم در پی درس آموزی از تجارب دیگران ، برای رهایی سریع تراز مدارهای توسعه نیافتگی بوده اند. جوامع بشری ، چالش های مشترک بسیاری دارند. چالش ها ، جهانی اند و در بسیاری از مواقع راه حل ها نیز همین گونه اند (Lamy , 2010). درک این واقعیت باعث پیدایش «علوم تطبیقی» (Comparative Sciences) شده است. علوم تطبیقی ، علمی هستند که دانشمندان آن دوست دارند بدانند همکاران آنان در کشورهای دیگر چه می کنند ، پرسش ها و مسائل عمده آنان چیست، چه وجه اشتراک یا افتراقی بین مسائل و چالش های آنها با مسائل و چالش های خودشان وجود دارد و چه راه حل هایی برای رفع آن اندیشیده و به کار بسته اند. آموزش و پرورش تطبیقی (Comparative Education) در پی آن است که نشان دهد ما مجبور نیستیم برای یک عمر با چالش ها و مسائل نظام آموزشی خود بسازیم. در زمانه ای که دنیا به سرعت در حال تغییر است ، نظام آموزشی نباید گرفتار چنبره ای از مسائل قدیمی باشد. اگر زندگی بدون مسئله لطفی ندارد ، نظام آموزشی باید مسائل کهنه خود را هرچه زودتر حل و فصل کرده و به استقبال مسائل نو برود. گاهی مسائل جدید می تواند نشانگر حرکت به سمت جلو باشد (معدن دار آران و کاکیا ، ۱۳۹۴). آموزش و پرورش تطبیقی ، علمی است که می خواهد با نگاه به تجربه و دانش دیگران نشان دهد لزوما بهترین روش برای حل مسائل ، اختراع دوباره اختراعات با برچسب " بومی بودن " نیست. بر این اساس ، استفاده سریع از دانش جهانی توام با اعمال تغییرات مناسب محیطی ، توصیه اصلی این علم است. هم چنین رسالت اصلی علم آموزش و پرورش تطبیقی ، مطالعه شباهت ها و تفاوت های آموزشی ، تاثیر این نظام ها بر یکدیگر و تاثیرسیاست های دولتی بر سطوح گوناگون آموزشی است (Epstein, 2001).

بر این اساس، آگاهی از جایگاه ویژه نظام آموزشی و نقش آن در تحولات اجتماعی باعث شده است که در طی دو سه دهه اخیر در بسیاری از کشورها ، آموزش و پرورش تطبیقی به یکی از پویاترین رشته های علمی مورد توجه سیاستمداران ، علمای علوم تربیتی، و دست اندرکاران و برنامه ریزان نظام های آموزشی مبدل گشته و دهها دپارتمان آموزشی ، دوره های علمی ، کتاب ها و نشریات و هم چنین بیش از ۳۰ انجمن ملی آموزش و پرورش تطبیقی در سرتاسر گیتی تاسیس گردد (Masemann , 2007). در حالی که در ایران ضرورت توجه به نوآوری های آموزشی و هم چنین شیوه های مبارزه با چالش ها و مسائل آموزش و پرورش در سایر

کشورها هر روز بیش از پیش آشکار می‌گردد، این رشته علمی کمتر مورد توجه دست اندرکاران و برنامه ریزان آموزش عالی قرار گرفته و منابع موجود در این زمینه بسیار محدود است، به نحوی که در رشته علوم تربیتی، تنها سه واحد درسی تحت عنوان "آموزش و پرورش تطبیقی" به دانشجویان ارائه می‌گردد (محسن پور، ۱۳۹۳). هم‌چنین، در حالی که شاهد تاسیس رشته آموزش و پرورش تطبیقی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های معتبر جهان و تالیف آثار بدیع و مقالات متعدد هستیم، بررسی اجمالی کتاب های مورد استفاده دانشجویان و علاقمندان این علم در کشور ما به خوبی نشان می‌دهد که از تالیف اکثر منابع بیش از دو دهه گذشته و از بعد محتوی بسیاری از آنان تکرار کتاب های قبلی هستند. بر این اساس، کتاب "آموزش و پرورش تطبیقی: رویکردها، روش ها و اصول" مبین تلاش ارزشمند و نویی است که باید قدردانی شده و همزمان برای اعتلای علمی، محاسن و محدودیت های آن بررسی و در بوته سنجش و نقد قرار گیرد.

۲. معرفی اثر

در این بخش به توصیف شکلی، خلاصه محتوای، معرفی مولف، نقد شکلی کتاب و روانی و روانی اثر به تفکیک اشاره می‌شود:

۱،۲. توصیف شکلی اثر

نام اثر آموزش و پرورش تطبیقی: رویکردها، روشها و اصول؛ مولف دکتر بهرام محسن پور، مکان نشر تهران، ناشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، سال انتشار ۱۳۹۳ (ویراست دوم)، تعداد صفحه ۱۲۳، شمارگان ۲۵۰۰ نسخه، و قطع وزیری می باشد. اثر حاضر برای نخستین بار در سال ۱۳۸۹ با نام "آموزش و پرورش تطبیقی: مبانی، اصول و روش ها" منتشر و تا سال ۱۳۹۳، سه مرتبه بدون تغییر چاپ شده است. کتاب در سال ۱۳۹۳ در ویراست جدید با تغییر نام و افزودن یک مقدمه و یک بخش جدید (در فصل اول) مجددا در شش فصل تنظیم و به زیور طبع آراسته گردیده است. فصل اول به کلیات اختصاص دارد. در فصل دوم به تاریخ تحول آموزش و پرورش تطبیقی و در فصل سوم به روش های تحقیق در آموزش و پرورش تطبیقی توجه شده است. فصل چهارم با بررسی رویکردهای آموزش و پرورش تطبیقی و فصل پنجم با توضیح اصول

و معیارهای استفاده از تجارب آموزشی سایر جوامع بیشترین حجم کتاب را به خود اختصاص داده اند. فصل ششم و پایانی به بررسی جایگاه آموزش و پرورش تطبیقی پرداخته است. منابع فارسی و انگلیسی در پایان هر فصل به صورت مجزا ذکر شده و لذا بخشی تحت عنوان منابع و ماخذ در پایان کتاب وجود ندارد. کتاب دارای دو پیوست، واژه نامه انگلیسی به فارسی و نمایه اسامی است.

۲.۲. خلاصه محتوای اثر

نویسنده در مقدمه جدیدی که بر کتاب افزوده است به اجمال خواننده را با سیر تاریخی علم آموزش و پرورش تطبیقی در ایران و جهان آشنا ساخته و همزمان اذعان می نماید که محتوی کتاب شامل همه مباحث این علم نیست (محسن پور، ۱۳۹۳: ۴). هم چنین در مقدمه جدید نویسنده محترم کوچک ترین اشاره ای به تغییرات جدید کتاب ننموده و هیچ توضیحی در خصوص اینکه چرا نام کتاب بعد از یک دوره زمانی ۱۵ ساله تغییر یافته است، ارائه نمی کند.

فصل اول با عنوان " کلیات " به بیان تاریخچه مختصری از چگونگی ارائه درسی به نام آموزش و پرورش تطبیقی و ضرورت تدریس آن در نظام آموزش عالی ایران پرداخته و اشاره می کند که در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی به علت وجود طرحی برای تغییر نظام آموزش و پرورش، تالیف کتابی در خصوص آگاهی از وضعیت نظام های آموزشی سایر کشورها مطرح و در این خصوص دکتر محمد مشایخی در سال ۱۳۴۹ اثری را با نام "آموزش و پرورش تطبیقی" تالیف و منتشر نمود. به اعتقاد نویسنده در طی بیش از نیم قرن اخیر روند تالیف کتاب هایی که صرفاً به توصیف نظام های آموزشی سایر جوامع پرداخته اند در ایران ادامه داشته است و لذا ضرورت تالیف کتابی که علاوه بر توصیف صرف بتواند مباحث نظری و اساسی آموزش و پرورش تطبیقی را بررسی کند انگیزه اصلی وی برای تالیف اثر حاضر بوده است (محسن پور، ۱۳۹۳: ۶). در تداوم این بحث، نویسنده تلاش کرده است که نشان دهد توجه به نظام های آموزشی علاقه دیرینه مصلحان اجتماعی بوده است که می توان نشانه های آن را از سفر فیثاغورت (فیلسوف یونانی ۵۸۰-۴۹۷ ق.م) به ایران و هند تا جنگ های صلیبی یافت. هم چنین فصل اول تنها فصلی است که با اضافه شدن بخش جدیدی با نام "اهداف مطالعه نظام های آموزشی سایر جوامع" در ۱۵ صفحه تغییر مشهودی را با چاپ های پیشین کتاب به نمایش می گذارد. مولف سپس مفهوم آموزش و پرورش

تطبیقی را توضیح و با بیان تفاوت بین دو اصطلاح "آموزش و پرورش تطبیقی" و "آموزش و پرورش بین‌المللی" این فصل را به پایان می‌رساند.

در فصل دوم تحت عنوان تاریخ تحول آموزش و پرورش تطبیقی، مولف این تاریخ را به پنج مرحله تقسیم نموده است. این دوره‌ها به ترتیب تقدم تاریخی عبارتند از دوره مشاهده و خاطرات جهانگردان، دوره مطالعه نظام‌های آموزشی به قصد الگوگیری، دوره آموزش و پرورش به عنوان نهاد اجتماعی، دوره همکاری‌های بین‌المللی و دوره معاصر (آقازاده، ۱۳۸۳). نویسنده کتاب در دو صفحه پایانی این فصل پیشینه مطالعه نظام‌های تعلیم و تربیت سایر جوامع را در ایران بررسی کرده است.

فصل سوم به توضیح و تشریح روش‌های تحقیق در آموزش و پرورش تطبیقی می‌پردازد. نویسنده در بدو امر از سه طبقه بندی روش تحقیق با نام‌های طبقه بندی نوآ (Noah)، موری توماس (Murray Thomas)، و تسین و آدامز (Theisen and Adams) یاد می‌نماید. در نخستین طبقه بندی، نوآ از چهار روش توصیفی، توسعه‌ای، رابطه‌یابی و تعمیم یاد می‌نماید. موری توماس انواع روش‌های تحقیق تطبیقی را روش تاریخی، پیمایشی، تجربی، قوم‌شناسی و تحلیل محتوا می‌نامد و تیزن و آدامز این روش‌ها را در سه گروه کلی تحقیق توصیفی (Descriptive)، تحلیلی (Analytical) و ارزشیابانه (Evaluative) قرار می‌دهند. سپس نویسنده کتاب در سرتیتر جدیدی روش‌های تحقیق در علوم تربیتی را (بدون اشاره به روش‌های آموزش و پرورش تطبیقی) به دو گروه کلی کمی و کیفی تقسیم نموده و فصل را با اشاره به نکاتی در خصوص مطالعات تطبیقی و قلمرو این مطالعات به پایان می‌رساند.

فصل چهارم تحت عنوان رویکرد‌های آموزش و پرورش تطبیقی که بخشی از مطالب آن پیشاپیش به صورت مقاله به چاپ رسیده است، بزعم نویسنده درصدد ارائه شواهدی در تایید نظریه‌های اجتماعی و اقتصادی متداول و مرتبط با آموزش و پرورش است (محسن پور، ۱۳۹۳: ۶۳). نخستین رویکرد یعنی رویکرد خصلت‌ملی به عنوان قدیمی‌ترین رویکرد مورد توجه بنیانگذاران اولیه رشته آموزش و پرورش تطبیقی بوده است. از منظر این رویکرد، آموزش و پرورش هر ملت محصول تاریخ آن ملت است و لذا با مطالعه آن می‌توان خصلت ملی آن ملت را تشخیص داد. رویکرد تاریخی - فلسفی در نیمه اول قرن بیستم مورد توجه پژوهشگران تطبیقی قرار گرفت که بر بنیان آن باید در پی شناسایی عوامل تاریخی، فلسفی و فرهنگی که زیربنای نظام آموزشی را تشکیل می‌دهند، باشیم. رویکرد علوم اجتماعی مبین تاثیر پذیری علم

آموزش و پرورش تطبیقی از نظریات متداول در علوم اجتماعی است که نویسنده کتاب آنها را به سه نظریه ساختار- کارکردی، تکاملی و تجدد تقسیم و هریک را جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می دهد. چهارمین رویکرد با عنوان رویکرد اقتصادی مبین تاکید علمای آموزش و پرورش تطبیقی بر نقش نظام های آموزشی در روند رشد و توسعه اقتصادی جوامع بشری است. در صفحات بعدی، نویسنده از نظریه وابستگی، حل مسئله، تجدید حیات فرهنگی، درون- برون داد و فرانوگرایی به عنوان دیگر رویکردهای آموزش و پرورش تطبیقی یاد نموده و آنها را توضیح می دهد.

اصول و معیارهای استفاده از تجارب آموزشی سایر جوامع، محتوی فصل پنجم را تشکیل می دهد. همچون فصل قبل، نویسنده بخشی هایی از این فصل را در مقاله ای به چاپ رسانده است. سخن اصلی نویسنده این است که مطالعه آموزش و پرورش کشورها به قصد منتقل کردن تجارب آموزشی یک یا چند کشور به کشوری دیگر، مستلزم بررسی های عمیق و همه جانبه ای است که دقت و تامل فراوانی را طلب می کند. لذا در انتخاب و انتقال تجربه ها باید سه اصل تاثیر پذیری دیدگاه های آموزشی از تحولات جامعه، لزوم سنخیت عناصر آموزشی و توجه به غایات تعلیم و تربیت مدنظر قرار گیرد. نویسنده در بخش بعدی این فصل با ذکر مثال هایی، مواردی از کم توجهی به اصول حاکم بر مطالعات تطبیقی در نظام آموزشی ایران را نشان داده است.

هدف فصل پایانی کتاب، تبیین جایگاه علمی رشته آموزش و پرورش تطبیقی از طریق نشان دادن فعالیت هایی است که در این خصوص در مجامع دانشگاهی دنیا صورت پذیرفته است. تدریس درس آموزش و پرورش تطبیقی در امریکا در دهه ۱۹۳۰ میلادی و در ایران در دهه ۱۳۵۰ شمسی شروع شده است. هم چنین، رشته آموزش و پرورش تطبیقی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری در بسیاری از دانشگاه های دنیا ایجاد شده و بسیاری از سازمان های بین المللی همچون یونسکو و بانک جهانی به انجام مطالعات تطبیقی در قلمرو آموزش و پرورش اشتغال دارند. این فصل با معرفی اجمالی تعدادی از انجمن های ملی آموزش و پرورش تطبیقی، شورای جهانی انجمن های ملی آموزش و پرورش تطبیقی و تعدادی از نشریات معتبر رشته به پایان می رسد. نویسنده در پیوست اول نام تعدادی از دانشگاه ها یا کالج هایی که دارای رشته آموزش و پرورش تطبیقی در سطح تحصیلات تکمیلی و در پیوست دوم اسامی مراکز تحقیقات آموزش و پرورش تطبیقی و بین المللی را به زبان انگلیسی ذکر کرده است.

۳,۲. معرفی مختصر مولف

بهرام محسن پور دانشیار بازنشسته دانشگاه خوارزمی و دارای درجه دکتری در رشته آموزش بین‌المللی و توسعه از دانشگاه پیتسبورگ امریکا است. او در طی چند دهه گذشته در بسیاری از مراکز دانشگاهی شهر تهران به تدریس درس آموزش و پرورش تطبیقی اشتغال داشته و همزمان علاوه بر تالیف مقالاتی در این حوزه، در بسیاری از نشریات علمی و پژوهشی مقالات مرتبط با این علم را بررسی و داوری نموده اند. این همه مبین تبحر علمی و تجربه مولف در خصوص تالیف کتابی در حوزه آموزش و پرورش تطبیقی است.

۴,۲. نقد شکلی اثر

اثر حاضر همچون سایر کتب ناشر (سمت) با مقدمه کوتاهی در خصوص هدف از چاپ و نشر کتب دانشگاهی شروع و بیان می‌گردد که کتاب برای دانشجویان رشته علوم تربیتی در مقطع کارشناسی به ارزش ۳ واحد درسی تدوین شده است. از لحاظ مولفه های چهارده گانه جامعیت صوری باید گفت کتاب فاقد پیش گفتار، اهداف درس، خلاصه فصول، تمرین و آزمون، نتیجه گیری و پیشنهاد پژوهش است. هر فصل با توضیح مختصری در خصوص محتوی، شروع و منابع مورد استفاده در پایان آن ذکر شده است. از بعد نقد و تحلیل کیفیت چاپی و فنی اثر باید گفت که طرح جلد (با مشابهت تام رو و پشت جلد) از شکل ساده دایره ای (نشانگر کره زمین) استفاده و بدون ارائه اطلاعات مختصری در باره محتوی کتاب در پشت جلد به خوانندگان، فضای بسیاری با زمینه سفید بلااستفاده مانده است. با توجه به سابقه طولانی ناشر در چاپ کتب دانشگاهی، از بعد حروف نگاری، صفحه آرائی، کیفیت چاپ، صحافی، قطع کتاب و اغلاط چاپی می‌توان اثر حاضر را واجد شرائط مطلوب دانست. اگرچه کتاب در ویراست جدید دارای مقدمه مولف است ولی در آن بنا بر سنت مرسوم از ویراستار ادبی تشکر و قدردانی نشده و در صفحه شناسنامه اثر نیز نام و نشانی از ویراستار علمی و ادبی نیست. البته می‌توان کتاب را از بعد قواعد عمومی نگارش و ویرایش در حد قابل قبول ارزیابی کرد. با این حال، بعضی نکات جزئی قابل اصلاح و بررسی وجود دارد که به ترتیب به آنها اشاره می‌شود:

ص ۵، به جای کلمه نامانوس "سیاق" بهتر بود از واژه "سبک" استفاده می‌گردید.

- ص ۶، ترجمه واژه های "Encyclopedias of National Systems of Education"، دانشنامه های نظام های ملی آموزشی ذکر شده است که ترجمه "دانشنامه های نظام های ملی آموزش و پرورش" دقیق تر است.
- ص ۶، قسمت زیرنویس بهتر بود که حرف اول کلمات انگلیسی به صورت بزرگ تایپ شود. این مشکل در صفحات دیگر کتاب نیز تکرار شده است و روال یکسانی مشاهده نمی شود.
- ص ۶، پاراگراف دوم آدرس اینترنتی مربوط به "بانک اطلاعاتی شورای عالی انقلاب فرهنگی" اشتباه است.
- ص ۷، ابتدای پاراگراف سوم اسم فیلسوف یونانی "پروتاگوراس" به اشتباه "پوتاگوراس" تایپ شده است.
- ص ۷، نویسنده محترم فیثاغورث را با پورتاگوراس یک فرد پنداشته است.
- ص ۱۶، پاراگراف دوم، سطر نهم، بعد از کلمه "دادند" به جای علامت گاما باید نقطه گذاشته شود.
- ص ۲۲، آدرس اینترنتی دفتر بین المللی تعلیم و تربیت اشتباه است و باید بدین صورت (www.ibe.unesco.org) اصلاح شود.
- ص ۲۳، آدرس اینترنتی انجمن بین المللی برای ارزیابی موفقیت های آموزشی اشتباه است و باید بدین صورت (www.iea.nl) اصلاح شود.
- ص ۲۴، آدرس اینترنتی دو مطالعه بین المللی TIMMS&PIRLS اشتباه است و باید بدین صورت (timssandpirls.bc.edu) اصلاح شود.
- ص ۲۷، بند ۱ کلمه "اینکه" اضافی است.
- ص ۳۰، دومین پاراگراف در اولین سطر کلمه "نیز" اضافی است.
- ص ۳۳، پاراگراف اول سطر چهارم "قرون وسطا" به صورت "قرون وسطی" نوشته شود، زیباتر است.
- ص ۳۴، سطر اول همزه در اسم ژولین، اضافی است.
- ص ۴۲، پاراگراف آخر واژه "آموزش و پرورش نیمه رسمی" معادل زیرنویس Non-formal Education به اشتباه ترجمه شده است که باید ترجمه آن "آموزش و پرورش غیر رسمی" باشد.
- ص ۵۷، پاراگراف دوم سطر سوم کلمه "کتابش" به "کتاب خودش" تغییر یابد، بهتر است.

- ص ۶۱ ، زیرنویس اول country studyies ، حرف y در کلمه اضافی است و باید حذف شود.
- ص ۶۶، زیرنویس دوم Breday باید به Bereday تغییر یابد.
- ص ۸۲ ، پاراگراف دوم سطر ۸ بعد از کلمات " کبری و صغری " باید واژه " چیدن " اضافه شود.
- ص ۸۲ ، سطر آخر به جای واژه نامانوس " صبغه " ، کلمه " سبک " بهتر است.

۵,۲. میزان روانی و رسائی اثر

با توجه به تخصص و تجربه نویسنده در آموزش و پرورش تطبیقی ، از منابع مختلفی برای تالیف هر فصل استفاده شده است. هم چنین وی تلاش کرده است با توجه به اینکه مخاطب اثر دانشجویان دوره کارشناسی هستند ، حتی الامکان مباحث را به صورت روان و روشن بیان نماید. با این وجود ، بعضی از مطالب توسط مولف با ایجاز مخل بیان شده و خواننده مبتدی به آسانی قادر به درک آن نیست. برای مثال در توضیح مفهوم هرمنوتیک (ص ۵۵) یا در تشریح دیدگاه هولمز و استفاده او از نظرات کارل پوپر (ص ۷۸). هم چنین در حالی که جای طرح مباحثی همچون ابعاد تطبیق در کتاب - برای دانشجوی دوره کارشناسی که آشنائی اندکی با این علم دارد - به شدت احساس می شود ، نویسنده یک فصل را به روش های تحقیق تطبیقی اختصاص داده است .

۳. نقد محتوایی

در این بخش از مقاله به ترتیب به نقد درون ساختاری ، منبع ، تحلیل و بررسی علمی ، میزان نوآوری و روزآمدی ، میزان هماهنگی محتوی علمی - پژوهشی ، میزان انطباق و جامعیت ، نحوه استفاده از ابزارهای علمی ، اصطلاحات تخصصی و رویکرد کلی اثر خواهم پرداخت .

۱,۳. نقد درون ساختاری

همانگونه که در بخشهای پیشین بدان اشاره شد محتوی کتاب در شش فصل تهیه و تنظیم گردیده است که با توجه به حجم هر فصل ، مدرسان دانشگاه ملزم خواهند شد که مباحث هر فصل را تقسیم و در چند جلسه مجزا تدریس کنند. نویسنده در

فصل اول تحت عنوان کلیات به خوبی تلاش کرده است خوانندگان را با چارچوبه های اولیه علم آموزش و پرورش تطبیقی آشنا سازد. در فصل بعدی، به تفصیل شرحی تاریخی از تحول این علم ارائه می دهد که در آن انسجام و نظم منطقی رعایت شده است. در فصل سوم، نویسنده انواع روش های تحقیق را از دیدگاه صاحب نظران مختلف در چهار بخش توضیح داده است، در حالی که از بعد محتوی، تمایز روشنی بین روشهای تحقیق در آموزش و پرورش تطبیقی با سایر روش های مرسوم تحقیق دیده نمی شود و نویسنده نتوانسته است مطلب جدیدی بر معرفت موجود اضافه نماید. فصل چهارم رویکرد های آموزش و پرورش تطبیقی مطرح شده اند که ترتیب تاریخی و منطقی بین مطالب رعایت شده است. فصل پنجم به طرح اصول و معیارهای استفاده از تجارب آموزشی سایر جوامع می پردازد. نویسنده در این فصل تلاش کرده است با ذکر مثال های مرتبط با نظام آموزشی ایران نشان دهد که اقتباس و الگوگیری از سایر نظام های آموزشی عمدتاً جنبه منفی دارد. وی اگرچه به ایجاز تمام گفته است که کشورهای پیشرفته در سیر تکاملی خود به مطالعه نظام های آموزشی سایر کشورها توجه داشته اند، ولی با تفصیل و ذکر مثال های بسیار به خواننده نشان داده است که نظام آموزشی ایران در این راه موفق نبوده است (ص ۱۰۶-۹۸). در فصل پایانی جایگاه و روند پیشرفت علم آموزش و پرورش تطبیقی نمایش داده شده است. در یک جمع بندی کلی می توان گفت فصول کتاب از توالی منطقی در حد مطلوب پیروی می کنند، اگرچه بهتر بود که جابجایی در ترتیب فصول ۳ و ۶ صورت می گرفت. پیشنهاد این است که نخست دانشجو با جایگاه آموزش و پرورش تطبیقی آشنا شده و در فصل پایانی کتاب از روش های تحقیق تطبیقی آگاهی یابد. هم چنین از لحاظ ترتیب منطقی و رعایت توالی مطالب و همانگونه که در عنوان کتاب نیز آمده است، آشنا شدن دانشجو با رویکردهای آموزش و پرورش تطبیقی (فصل ۴) بر درک روش های تحقیق (فصل ۳) تقدم دارد، چرا که رویکردها هدایت گر پژوهشگر در انتخاب نوع روش تحقیق هستند.

۲-۳. نقد منبع

نویسنده برخلاف روال مرسوم در اکثر کتب دانشگاهی، در پایان هر فصل منابع مورد استفاده را ذکر کرده است که این موضوع می تواند در جلب توجه دانشجو به منابع، مفید واقع شده و آن را باید یکی از نقاط قوت اثر حاضر دانست. در راستای

تعیین اعتبار علمی منابع می‌توان دریافت که نویسنده فقط از کتب و مقالات نشریات در تالیف کتاب بهره برده و هیچ منبع اینترنتی، پایان‌نامه دانشگاهی یا پایگاه اطلاعاتی مورد استفاده وی قرار نگرفته است. با توجه به تاریخ نشر کتاب (پاییز ۱۳۹۳ برابر با اکتبر ۲۰۱۴) جدیدترین منبع فارسی مورد استفاده نویسنده مربوط به سال ۱۳۷۸ یعنی حدود ۱۵ سال قبل از ویراست دوم کتاب می‌باشد که مایه تعجب بسیار است. هم‌چنین جدیدترین منبع انگلیسی مورد استفاده مربوط به سال ۲۰۱۲ (یک منبع در فصل ۱) می‌باشد. از این جنبه، باید گفت اکثر منابع مورد استفاده کتاب حداقل ده سال قبل از چاپ و نشر اثر حاضر به زیور طبع آراسته شده‌اند. کتاب از دقت زیادی در استنادات و ارجاعات برخوردار است به نحوی که خواننده به راحتی می‌تواند منابع مورد استفاده را جستجو کرده و مورد بهره‌برداری بیشتر قرار دهد. فقط نکاتی چند را باید مورد توجه قرار داد:

- نویسنده هم در منابع فارسی و هم منابع انگلیسی، سال نشر را بعد از نام خانوادگی و نام نویسنده (گان) ذکر نکرده و آن را در پایان مشخصات هر منبع آورده است.

- برخلاف رویه مرسوم، نام و نام خانوادگی مترجم (مترجمان) در داخل پرانتز قرار نگرفته است.

- صفحات مقالات بعضی از منابع انگلیسی ذکر نشده است (برای مثال منبع Rust, 1991 در بخش منابع فصل ۴ یا Altabch, 1991 در بخش منابع فصل ۶).

۳.۳. تحلیل و بررسی علمی

مطالعه محتوی اثر مبین‌آشنایی جامع نویسنده با مباحث مرسوم علم آموزش و پرورش تطبیقی می‌باشد. این موضوع به ویژه در استفاده از منابع فارسی که به نحوی نگاه مریبان و اندیشمندان ایرانی یا مسلمان را نشان می‌دهد، آشکار می‌گردد. مطالعه کتاب هم‌چنین مبین هوشمندی و قدرت نویسنده در تحلیل و بررسی علمی موضوعات هر فصل با استفاده از منابع در دسترس است. هم‌چنین در اکثر بخش‌های کتاب نویسنده تلاش وافری داشته است که در تحلیل‌های خود بیطرفی علمی را رعایت نماید. علیرغم این محاسن، بیان چند نکته در خصوص تحلیل و بررسی علمی اثر لازم است:

- علیرغم اینکه در ویراست جدید نام کتاب تغییر کرده و نویسنده واژه " مبانی " را کلا حذف و به جای آن رویکرد گذاشته و هم چنین روش ها را مقدم بر اصول ذکر کرده است ، ولی در محتوی کتاب تغییر چندانی نداده است در حالی که بهتر بود ارائه مباحث با عنوان کتاب هماهنگی بیشتری داشت.
- در فصل چهارم اگرچه نویسنده هیچگونه تعریفی از رویکرد بیان نکرده و بین آن با تئوری یا نظریه تمایزی قائل نشده است، ولی با توضیحی که در پاراگراف دوم صفحه 63 داده است به نظر می رسد این دو را از یکدیگر جدا انگاشته و هر رویکرد را شامل چند تئوری دانسته ، در حالی که همزمان در صفحات بعدی به این تقسیم بندی وفادار نمانده است . برای مثال ، نویسنده برای دو تئوری وابستگی و فرانگرائی از واژه رویکرد استفاده کرده است که با توجه به تقسیم بندی قبلی کتاب ، اولی جزو رویکرد اقتصادی و دومی جزو رویکرد تجدید حیات فرهنگی قرار می گیرد و نمی توان آنها را رویکرد مستقلی نامید.
- نویسنده در فصل پنجم بدون ذکر منبع از سه اصل که در انتخاب و انتقال تجربه های آموزشی حائز اهمیت هستند ، نام می برد، در حالی که هیچ اشاره ای به تعارض بین این اصول نکرده است.

۳-۴. نوآوری و روزآمدی

علم آموزش و پرورش تطبیقی در مقام مقایسه با دیگر رشته های علوم انسانی و به ویژه سایر گرایشات علوم تربیتی ، در زمینه ابعاد ، اصول ، تئوری ها و روش های تحقیق هنوز در مراحل نخستین رشد و تعالی خویش - حتی در جوامع پیشرفته - به سر می برد (Manzon, 2011). این وضعیت در ایران جنبه حادثتری به خود گرفته است. برای مثال، در حالی که در طی نیم قرن اخیر در ایران دهها کتاب و مقاله در زمینه روانشناسی یادگیری یا مدیریت آموزشی چاپ و منتشر شده اند ، تعداد کتاب های منتشره در حوزه آموزش و پرورش تطبیقی کمتر از ۲۰ جلد می باشد که از چاپ بعضی از آنها بیش از سه دهه گذشته است. از این منظر ، جهد نویسنده در تدوین و تالیف کتابی که بتواند تا حدودی خلاء علمی موجود را پر نماید ، ارزشمند است. هم چنین بر این اساس می توان درک کرد که چرا اغلب منابع فارسی که نویسنده استفاده کرده است ، قدیمی می باشند. ازسوی دیگر ، نویسنده بسیاری از مباحث اخیر این علم را در کتاب مطرح نکرده است که نمی توان دلیل روشنی برای آن بیان کرد.

بنابراین ، لازم است نویسنده و ناشر کتاب در چاپ های بعدی تحولات جدید علم آموزش و پرورش تطبیقی را مدنظر قرار دهند.

۳-۵. هماهنگی محتوی علمی با اصول و مبانی

از آنجایی که درس آموزش و پرورش تطبیقی یکی از دروس مشترک بین همه گرایش‌های علوم تربیتی است به نظر می‌رسد که از بعد محتوی علمی ، کتاب حاضر توانسته است تا حد مطلوبی توقع آموزشی دانشجویان مختلف را برآورده سازد. نویسنده در فصل اول ضمن بررسی مفهوم آموزش و پرورش تطبیقی به نقد نظرات اندیشمندان مختلف در مورد تعاریف آنان پرداخته بدون اینکه تعریف دقیق یا حداقل مورد قبول خود را بیان کند. هم‌چنین در بخش پایانی این فصل تمایز آموزش و پرورش تطبیقی و آموزش و پرورش بین‌المللی مطرح می‌گردد ، در حالی که از توجه به تمایز مفهوم آموزش و پرورش تطبیقی با اصطلاحاتی همچون آموزش و پرورش مقایسه‌ای ، تربیت تطبیقی و تعلیم و تربیت تطبیقی غفلت شده است (معدن‌دار آرانی و کاکیا ، ۱۳۹۴) . در فصل دوم ، تاریخ آموزش و پرورش تطبیقی با دقت نظر و اشراف کامل نویسنده به خوبی مورد بررسی قرار گرفته است . نگاه غالب نویسنده در این فصل معطوف به بررسی سیر تحول تاریخی این علم عمدتاً در جهان غرب و ایران اسلامی است و هیچ اشاره‌ای به تجارب سایر ملل (برای مثال چینی ها یا هندی ها) نمی‌نماید (Wilson , 2003 ; Bray , 2002) . در فصل سوم ، نویسنده به دشواری‌های موجود بر سر راه تحقیقات تطبیقی اشاره و در خصوص دو مشکل تفاوت مفاهیم در نظام‌های آموزشی مختلف و اعتبار داده‌های تحقیقاتی هشدار می‌دهد. این موضوع نشان می‌دهد که اولاً نویسنده تحقیقات تطبیقی را فقط محدود به سطح کشوری می‌داند ، در حالی که تقسیم‌بندی‌های موجود آن را فقط یکی از سطوح تحلیل و مشاهده در مطالعات تطبیقی می‌پندارد (Manzon, 2014) ؛ ثانیاً مشکل اعتبار داده‌های تحقیقاتی محدود و منحصر به پژوهش تطبیقی نیست و سایر پژوهش‌های علوم تربیتی را نیز در بر می‌گیرد (جانسون و کریستنسن ، ۲۰۰۴) . در فصل چهارم ، نویسنده به تفصیل رویکردهای آموزش و پرورش تطبیقی را برای خوانندگان توضیح می‌دهد ، به نحوی که می‌توان این فصل را از بعد علمی و توجه به اصول و مبانی رشته ، قوی‌ترین فصل کتاب دانست. با این وجود ، عدم ارائه توضیح روشن در خصوص دو مفهوم رویکرد و تئوری توسط نویسنده ، لزوم تغییر در بعضی از سرتیترهای این فصل را ضروری

ساخته است. با توجه به اصول و مبانی حاکم بر علم آموزش و پرورش تطبیقی، یکی از نقدهای اساسی به محتوی کتاب مربوط به فصل پنجم است. در حالی که خواننده نمی تواند یک مثال عملی و عینی از فایده علم آموزش و پرورش تطبیقی - ازمسانی که نظام های آموزش و پرورش رسمی عمومی مدرن در دنیا رواج پیدا کرده اند - در سرتاسر اثر حاضر پیدا کند و طبعاً با این پرسش روبرو می شود که پس فایده این علم چیست، نویسنده برای نشان دادن لزوم توجه به اصول حاکم بر مطالعات تطبیقی، با ذکر مثال هایی که عمدتاً مربوط به دو دهه ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ شمسی در ایران هستند یا مثالی مربوط به سال ۱۳۳۶ شمسی در خصوص اجرای طرح بدون امتحان دانش آموزان ابتدایی (ارزشیابی توصیفی) و اطلاق طرح وارداتی به آن، تصویری تیره و تاریک و منفی از هر گونه الگوگیری و اقتباس از سایر نظام های آموزشی و در نتیجه فایده علم آموزش و پرورش تطبیقی به دانشجوی دوره کارشناسی ارائه می دهد. طنز تلخ اینکه، طرح ارزشیابی توصیفی مجدداً و همزمان با نشر کتاب در کشور شروع و در حال حاضر بیش از یک دهه است که از اجرای آن در نظام آموزشی فعلی می گذرد. با این همه، نویسنده در فصل پایانی به صراحت روند رو به رشد اقبال به علم آموزش و پرورش تطبیقی را از طریق تاسیس دوره های تخصصی، برگزاری کنفرانس ها، تاسیس انجمن های ملی و چاپ نشریات در سرتاسر دنیا به نمایش می گذارد که خود ایجاد کننده نوعی تعارض ذهنی با تجارب تلخ فصل قبلی است.

۳-۶. میزان انطباق و جامعیت

اثر حاضر از لحاظ انطباق محتوی با عنوان و فهرست مطالب دارای قوت و استحکام لازم می باشد. البته اگرچه نویسنده به پاره ای از مباحث اولیه همچون استفاده ها و سوء استفاده های احتمالی از یافته های تطبیقی در مطالعات آموزش و پرورش اشاره ای نکرده است، ولی می توان محتوی کتاب را از لحاظ جامعیت موضوعی در حد قابل قبول ارزیابی نمود. نکته دیگری که در این قسمت باید بدان توجه داشت جامعیت اثر با توجه به تعداد صفحات کتاب (116 ص بدون پیوست ها) و از لحاظ پوشش ساعات واحد درسی (حداقل ۱۵ جلسه کلاسی در هر ترم) است که به نظر من به عنوان یکی از مدرسین این درس، حجم و مباحث کتاب برای یک درس ۳ واحدی دانشگاهی کفایت نمی کند و بهتر بود که مولف با ارائه مباحث جدید و تکمیلی یا بررسی نظام آموزشی چند کشور - به صورت تطبیقی از بعد ساختار رسمی یا مواد و

ساعات درسی با نظام آموزشی ایران - بر حجم و محتوی کتاب می‌افزود. هم چنین از آن جایی که در عنوان کتاب از واژه‌های " رویکردها و اصول " استفاده شده است بر این اساس لازم بود که نویسنده محترم کتاب این رویکردها و اصول را به صورت عمقی تری از منظر فلسفی مورد بررسی قرار می‌داد (میرزاحمدی، ۱۳۹۳).

۳-۷. نحوه استفاده از ابزارهای علمی

همانگونه که در نقد شکلی اثر گفته شد از لحاظ مولفه‌های چهارده گانه جامعیت صوری، کتاب فاقد پیش‌گفتار، اهداف درس، خلاصه فصول، تمرین و آزمون، و پیشنهاد پژوهش در هر فصل است. همزمان کتاب دارای دو پیوست، واژه‌نامه انگلیسی به فارسی و نمایه اسامی می‌باشد. در پیوست نخست، اسامی دانشگاه‌ها و کالج‌های دارای رشته آموزش و پرورش تطبیقی ذکر شده که اکثریت آنان در ایالات متحده آمریکا هستند. پیوست دوم دربردارنده نام مراکز تحقیقاتی آموزش و پرورش تطبیقی در کشورهای عمده غربی است. هم چنین واژه‌نامه مناسب بوده و اصطلاحات به وفور در کتاب مورد استفاده قرار گرفته است که می‌تواند باعث آشنایی بیشتر و بهتر دانشجویان با واژه‌های تخصصی رشته شود.

۴. رویکرد کلی اثر

نویسنده در بخش‌های عمده‌ای از کتاب تلاش کرده است که با ذکر مثال‌های مرتبط با تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام، شواهد تاریخی متقنی برای مباحث مطروحه ارائه نماید. برای مثال این موضوع در سه فصل اول، دوم و پنجم به خوبی مشهود است که می‌توان آن را یکی از امتیازات اثر حاضر دانست. در فصول اول و دوم هم چنین نویسنده تلاش کرده است تغییرات و تحولات مرتبط با پیشینه مطالعه نظام‌های آموزشی در ایران را از سال ۱۲۷۵ هجری شمسی (با ذکر نام " نشریه هفتگی تربیت " به عنوان مجله پیشگام با چاپ مقاله‌ای در باره مدرسه بیروت) تا عصر حاضر بررسی نماید.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به تخصص و اشتهار نویسنده در حوزه آموزش و پرورش تطبیقی از یک سو و قلت منابع علمی موجود از سوی دیگر، می‌توان کوشش ارزشمند وی را در

اواخر دهه هشتاد شمسی شایسته تقدیر و قدردانی دانست، اگرچه در این مدت آثار دیگری در این حوزه علمی در کشور به زیور طبع آراسته شده اند که نویسنده می تواند در ویراست جدید کتاب از آنها استفاده نماید. به هر حال، با توجه به حجم کم و قلت صفحات، این اثر توانسته است تا حد نسبی خوانندگان را با چارچوبه های کلی و اولیه این علم آشنا سازد. هم چنین کتاب ضمن حفظ و بهره گیری از محاسن کتب قبلی توانسته است بعضی از کاستی های آنان را برطرف نماید. به عنوان مثال، بیان تفصیلی رویکردهای آموزش و پرورش تطبیقی چشم انداز جدیدی پیشروی خوانندگان نهاده است تا دریابند چگونه می توان با آگاهی از هر رویکرد، به تحلیل و تفسیر پدیده ها و رخداد های آموزشی در محیط های گوناگون اجتماعی - فرهنگی دست یازید. به نظر من مهم ترین نقدی که از لحاظ محتوی می توان بر اثر حاضر وارد دانست اینکه روح کلی حاکم بر کتاب مبتنی بر منفی نگری و القاء این نظریه ضمنی است که اقتباس و الگوگیری در حوزه آموزش و پرورش اصولا امری است که حتی الامکان باید از آن اجتناب کرد. در کمال تاسف باید گفت حتی در ویراست جدید نیز نویسنده با ذکر مثال های منفی تصویری منفی از علم آموزش و پرورش تطبیقی ترسیم نموده است (به صفحات ۱۹ - ۱۳، ۴۰ و ۱۰۶ - ۹۸ مراجعه کنید)، در حالی که می توانست با ارجاع به مثال های مثبت به دانشجویان جوان دوره کارشناسی - که با ذهنی باز و پذیرای تغییر و نوآوری در کلاس درس نشستند - این موضوع را یاد دهد چگونه کشورهای همچون ژاپن، تایوان، سنگاپور، مالزی و حتی چین و هند توانسته اند با اقتباس آگاهانه نوآوری های نظام های آموزشی مدرن، مسیر ترقی و پیشرفت خود را با سرعت بیشتری طی نمایند. هم چنین یکی از مهم ترین کاستی های اثر حاضر فقدان توجه به جریانات معاصر فکری علم آموزش و پرورش تطبیقی است. به هر حال، کتاب از لحاظ ابعاد شکلی و مواردی همچون رسم الخط، قواعد زبانی، ویراستاری ادبی و ساختار فصول نسبت به منابع قبل از خود، از برتری و رجحان برخوردار است. با عنایت به این نکات، پیشنهاد های زیر برای ارتقاء علمی اثر پیشنهاد می گردد:

* اضافه کردن مقدمه و نتیجه گیری برای هر فصل

* نوشتن فصول جدیدی در خصوص ابعاد تطبیق، سطوح زمانی و مکانی تطبیق

* بیان تئوری های جدید بیان نشده در کتاب همچون فمینیسم، مابعد استعمارگرایی،

انتقادی و نئولیبرالیسم

- * بهره‌گیری از منابع جدید همچون وب‌سایت‌ها، پایگاه‌های اطلاعاتی، و مقالات
منتج از پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های دولتی
- * توضیح و تشریح تطبیقی نظام‌های آموزشی دو یا سه کشور پیشرفته یا مسلمان همچون
مالزی و ترکیه

منابع

- آقازاده، احمد. ۱۳۸۳. *آموزش و پرورش تطبیقی*. چاپ چهارم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- جانسون، بروک و کریستنسن، لاری، ب. ۲۰۰۴. *روش پژوهش در علوم تربیتی: کمی، کیفی، آمیخته*. (مترجمان علی اکبر خسروی بآبادی، کامبیز پوشنه و محرم آقازاده، ۱۳۹۱)، چاپ اول، تهران: نشر آبیژ
- محسن پور، بهرام. ۱۳۹۳. *آموزش و پرورش تطبیقی: رویکردها، روش‌ها و اصول*. چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- معدن‌دار آرانی، عباس و کاکیا، لیدا. ۱۳۹۴. *آموزش و پرورش تطبیقی: چشم‌اندازهای نوین*. چاپ اول، تهران: نشر آبیژ
- میرزامحمدی، محمد حسن. ۱۳۹۳. *مقدمه‌ای بر روش‌شناسی پژوهش تطبیقی*. چاپ اول، تهران: نشر آبیژ

- Bray, M. 2002. Comparative Education in East Asia: Growth, Development and Contributions to the Global Field, *Current Issues in Comparative Education*, 4(2):70-80, Available at: http://www.tc.columbia.edu/cice/pdf/25690_4_2_Bray.pdf
- Epstein, E. 2001. The Problematic Meaning of "Comparison" in Comparative Education, In Kumpner, K(Ed) "*Comparative Education*", ASHE Series, New York: Simon and Schuster
- Lamy., P. 2010. *Global Problems, Global Solution: Towards Better Global Governance*, World Trade Organization, Available at: https://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/public_forum09_e.pdf
- Manzon., M. 2014. *Comparative Education: The Construction of a Field*, Hong Kong: The University of Hong Kong

- Manzon., M. 2014. Comparing Places, In Mark Bray, Bob Adamson & Mark Mason (Eds), *Comparative Education Research: Approaches and Methods*, Second Edition, Hong Kong: Springer & The University of Hong Kong
- Masemann., V. Bray, M & Manzon, M. 2007. *Common Interests, Uncommon Goals: Histories of the World Council of Comparative Education Societies and its Members*, Hong Kong: Springer & The University of Hong Kong
- Wilson., D.N. 2003. The Future of Comparative and International Education in a Globalised World, *International Review of Education*, 49(1-2): 15-33, Available at: <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.627.6368&rep=rep1&type=pdf>.